یادداشت

درباره آلبوم «تار و پود» اثر تازه حمید متبسم

بُرشی نامنسجم از منظومه «خسرو و شیرین»

مهدی حسنی

آلبوم «تار و پود» به آهنگسازی حمید متبسم و با صدای وحید تاج بر اساس گزیده‌ای از ابیات مختلف از بخش‌های گوناگون منظومه خسرو و شیرین اثر نظامی گنجوی شاعر مشهور قرن ششم هجری قمری، منتشر شده است.

این آلبوم در ده قسمت تصنیف شده؛ ده قطعه‌ای که ظاهرا قرار بوده روایتی منتخب از این داستان عاشقانه و حواشی‌اش باشد اما اولین چیزی که در این اثر به چشم می‌خورد همان عدم انسجام روایی موسیقی و کلام است. همان ارتباط عمودی این ده قطعه که در اولین نگاه، مورد انتظار مخاطب است و برآورده نمی‌شود. این فرض با اعلام سرفصل‌ها و عناوین برخی از قطعات به رسم نقالان و پرده‌خوانان شاهنامه بیشتر هم تقویت می‌شود و شاید بتوان گفت تنها عامل رابط بین این ۱۰ قطعه نیز همین تیترها است که در جلد آلبوم هم به ترتیب نوشته شده است. هرچند از نظر تماتیک هم برخی از تیم‌ها و همچنین فیگورهای ملودیک و ریتمیک در چند قطعه این مجموعه تکرار می‌شوند. به جز این موارد ناچیز به سختی می‌توان عناصر ارتباطی دیگری بین قطعات گوناگون این مجموعه یافت که به مثابه نخ تسبیحی ارتباط عمودی روایت را برقرار یا حفظ کنند.

از همه مهم‌تر اینکه گویا آهنگساز در موسیقی اصلا تلاشی برای روایت و توصیف نکرده است و در اثری روایی توصیفی تنها وظیفه‌ای که بر عهده موسیقی نهاده نشده همین توصیف و روایت است. حداقل و دم‌دستی‌ترین کاری که می‌شد در موسیقی کرد اشاره‌ایی به ملیت دو پرسوناژ اصلی داستان است؛ شیرین که شاهزاده‌ای است ارمنی و خسرو پادشاه ایران‌زمین و شاید برخورد این دو فرهنگ غنی موسیقیایی در ساختار کمی کارگشا می‌بود.

اگر به منظومه خسرو و شیرین نظامی مراجعه کنیم خواهیم دید که ابیات نیز به دلخواه و گزینش خالق اثر (و البته به فرموده خود ایشان با همکاری همسر محترم‌شان) انتخاب شده و البته به صورت دلخواه نیز گرفته است. یعنی در یک قطعه می‌بینیم چند بیت آغازین حذف و مثلا بیت پنجم به تشخیص آهنگساز به عنوان مطلع درنظر گرفته شده و بعد به چند بیت پایین‌تر برپده وسپس بیت سومی که خوانده می‌خواند ناگهان از چند بیت بالاتر انتخاب شده و قس‌علی‌هذا. غرض اینکه باید گفت این روایت از خسرو و شیرین الزاما روایت نظامی نیست و شاید بتوان گفت روایت حمید متبسم و اهل‌بیت بزرگوارشان است که خود نیز به «برداشت آزاد» تکیه کرده‌اند. شاید هم به همین دلیل است که در کل این آلبوم مخاطب طبیعی متوجه قصه نمی‌شود و به طور پراکنده دستگیرش می‌شود که خواننده دارد ایباتی درباره علاقه شخصی به یک خسرو که دل در گروی بانویی به نام شیرین دارد را می‌خواند و ایضا در این داستان نه چندان منسجم شخصیت‌های دیگری نیز جسته و گریخته – و به دلیل عدم وفاداری به متن – می‌آیند و می‌روند و گاه هم روی هوا به امان خدا رها می‌شوند.

و باز شاید خواننده نیز تحت تاثیر همین عدم انسجام است که گویی در حال تحویل دادن درس در کلاس آواز است و فقط متن را روخوانی کرده و رفته است. اگار خواننده هم متوجه نشده که سر نه ماجرا کجاست و حس اثر را درنیافته و این شانزدگی و انجام وظیفه در عین مطالعه‌کاری به وضوح در ادای کلمات مشهود است. اگار همه‌چیز اعم از آهنگسازی و تلفیق شعر و موسیقی و خوانندگی در حد اتود و اسکیس اولیه است. اگر کیفیت ضبط این اثر کمی پایین‌تر بود و در اجرای سازها که اتود و الانصاف تمیز اجرا شده – البته از حمید متبسم که بنیانگذار گروه خوش صدای دستان است جز این نیز انتظار نمی‌رود- از نظر آهنگسازی و خوانندگی می‌شد به جرات گفت این اثر در حد طرح اولیه است و بعدا قرار است مورد بازبینی اساسی قرار گیرد.

موتونون بودن و یکنواختی این اثر هم چه در کلیت این مجموعه- چه در ملودی‌های خوب‌کننده و بی‌قرار و فرود تک‌تک قطعات و چه در صدای بدون دینامیک خوانده که تهی از تجربه‌های شیرین موسیقی ایرانی هم هست، مسأله‌ای است قابل تامل!

به نظر- نگارنده کمپوزیسیون این اثر دو اشکال عمده دارد:

یکی اینکه تلفیق شعر و موسیقی در اغلب جاها کاملا به زور و ضرب اتفاق افتاده به طوری که در هر قطعه به نمونه‌هایی بسیاری از هجاهای کوتاه و بلند و کشیده جابه‌جا و بی‌جا برمی‌خوریم که گهگاه آزاردهنده هم می‌شوند مثل کشش‌های بی‌منطق و بی‌دلیل برخی از حروف به واسطه اینکه آهنگساز خواسته به‌زور آن کلمه را در ملودی جا بدهد.

به عنوان مثال در قطعه شماره ۱۰ آمده:

دو تیرانداز چون سرو جوانه
ز بهر یکدگر کرده نشانه

وزن عروضی این بیت «مفاعیلن، مفاعیلن، فعولن» است یعنی بحر «هزج مسدس محذوف» که این وزن را در دوبیتی‌های باباطاهر و دیگران نیز بسیار شنیده‌ایم. روان‌ترین متر مورد استفاده برای این وزن همان شش و هشت است یعنی دو ضربی ترکیبی. آهنگساز به زور گنجاندن این مصرع‌ها در متر دو ضربی سنه مجبور به کشش نازیبا و به دور از منطق پیوند شعر و موسیقی کلمه «دو» شده است. نمونه‌هایی از این دست بسیار است که از حوصله این یادداشت خارج است.

و دوم عدم زمزمه‌پذیری ملودی‌ها و کلام نیز (به جز قطعه شماره ۷ که به واسطه استفاده از تیم‌های محلی و استفاده به موتیف‌های موسیقی نواحی تاحدی در خاطر می‌ماند) از دیگر نقاط ضعف این مجموعه است که باز می‌توان دلیل این مساله را در همان تلفیق ملودی با کلام جست‌وجو کرد.

در جایی خواننده آهنگساز به این موضوع اشاره کرده بودند که در این اثر خواسته‌اند از موسیقی دستگاهی ایران و موسیقی به اصطلاح فاجری دور و به موسیقی پیش از اسلام نزدیک شوند؛ یعنی اینکه تلاش کنند به تاریخ این واقعه از نظر زمانی وفادار باشند که در این صورت باید به عدم وجود منابع مستند موسیقایی، اینکه چگونه توانسته‌اند به این تصمیم جمع عمل بپوشانند جای پرسش دارد. بماند که بازهم چیزی که می‌شنویم همان مایه‌های نوا و دشتی و چهارگاه است نه صدایی ناشنی از تفکر مقامی. البته که عدم اصرار بر نگاه ردیفی نیز مشهود است که البته به خاطر رنوع هارمونیزاسیون غربی، سونوریته نهایی این اثر کمی بلاتکلیف مانده و صدالبته می‌دانیم که الزاما با استفاده از آنسامبل سازهای کهن ایرانی (قیچک، بربط و سه‌تار قدیم که امروزی هم نیستند) آن هم با مکانیسم امروزی نمی‌شود به صدای موسیقی قدیم رسید.

نکته دیگر دکلماسیون برخی از قطعات با فرم ایمپتاسیون (تقلید و تکرار متعاقب) و کانترواژ توسط گوینده زن و مرد است که بدون هیچ زمینه‌سازی و توجیه و منطق موسیقایی مثلا می‌توان در شوئن مختلف اثر این سوال را پرسید که اگر فلان چیز به نیش مکوچ نمی‌بود و جایگزینی دیگر می‌داشت چه اتفاقی برای این اثر می‌افتاد و آیا باعث می‌شد این اثر ناقص به نظر آید! البته عنوان مثال اگر به جای خسرو شیرین، ایباتی از لیلی و مجنون می‌بود یا اصلا اگر ایباتی از شاهنامه برای وهمین ملودی‌ها خوانده می‌شد، چه چیز از محتوا یا فرم این اثر کم می‌شد؟ یا اگر در فلان قطعه به جای مایه دشتی یا چهارگاه مثلا سه‌گاه یا ماهور به کار می‌رفت واقعا خیلی فرق می‌کرد؟ اینا از دکلماسیون به جای یک زن و یک مرد یکی از این دو می‌بودند یا حتی کلا دکلمه هست که چه لطمه‌ایی به ساختمان اثر وارد می‌آمد؟! یا اگر به جای این سازها- سازهایی دیگر مورد استفاده قرار می‌گرفتند چقدر صدادهی این اثر ناقص می‌شد که بگوییم همه اینها با طرح و برنامه‌ای منسجم و منطقی محکم مورد استفاده قرار گرفته‌اند؟

درمجموع می‌توان گفت این اثر در بین آثار حمید متبسم که او را به نیکی خلق و ذوق در موسیقی ایران‌زمین می‌شناسیم و آثار درخور تأمل نیز کم ندارد، اثری به نسبت ضعیف و نامنسجم است و از خلاقیت و طراحی دقیق در پس آن رنج می‌برد.

همین طور ادای واحد تاج که خوانده‌ای است جوان و خوش‌آتیه که او از نو نیز اجراهای خوب و شنیدنی‌ای به خاطر داریم و شاید می‌باید این اجرای معمولی و مونوتون و مدرسه‌ای را نه غلط و بهتر و بخته‌تر از او باشیم.

آهنگساز و مدرس موسیقی

موسیقی

محمدحسینی‌فر امیر

هنگامه اخوان و نگار خارکن در گفت‌وگو با «اعتماد»

موانع پیش روی بانوان عرصه موسیقی رفع می‌شود؟ شود، ولیک به خون جگر

نیوشا مزیدآبادی

«وقتی ما به خودمان رحم نکنیم، دیگران به ما رحم می‌کنند؟» حالا ترجیع‌بند حرف‌های هنگامه اخوان، خواننده شصت و دو ساله موسیقی اصیل ایرانی است که در کارنامه کاری خود سابقه همکاری با بسیاری از موسیقیدانان مهم ایران را دارد. آن هم بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال فعالیت و تاثیرگذاری در موسیقی آوازی ایران.

امروزه بخش اعظمی از هنرجویان و هنرآموزان موسیقی در ایران- چه در هنرستان‌ها و چه در دانشگاه‌ها و موسسات خصوصی- را بانوان تشکیل می‌دهند، اما این بال هنری پس از ورود به بازار کار با کلیشه‌هایی مواجه است که از نگاه جنسیتی به مشارکت زنان در عرصه موسیقی نشات می‌گیرد.

در بعد رسمی با وجود ممنوعیت‌ها و محدودیت‌هایی که همواره وجود داشته، تلاش‌های انسدک ولی تاثیرگذاری نیز انجام شده که ماحصل آن تا حدودی راه را بر مسیر هنری بانوان آسان کرده است. از ایده «هم‌آوایان» حسین علیزاده گرفته تا شکل‌گیری واجرای گروه «هنوزاون شید»؛ به سرپرستی محمدرضا لطفی و... همه و همه زنان را دوشادوش مردان، پیشاپیش موانعی گذاشته که برای عبور از آنها با چالش‌های زیادی مواجه بوده‌اند.

آماگرندگی در اخیار موسیقی هنوز جدل سال اخیر با دقیق شیوم و نمونه‌های مختلف را در مخابعمال مرور کنیم به موارد متعددی برمی‌خوریم که حکایت از منع حضور بانوان برای حضور روی صحنه‌های اجرای موسیقی دارد.

پرسش اینجاست چرا با وجود تمام تلاش‌های صورت گرفته هنوز هم اخبار منع حضور زنان بر صحنه‌های موسیقی شنیده می‌شود؟ در زمینه فرهنگ‌سازی چه تلاشی باید انجام می‌شده که مغفول مانده است و از فقدان چه جریان حمایتی رنج می‌بریم؟

نگار خارکن و هنگامه اخوان دو موسیقیدان و نسل متفاوت هستند که هر یک به فراخور سن و تجربه هنری‌شان تلاش کرده‌اند تا آثار تاثیرگذاری را در موسیقی ایران ارایه کنند. اگرچه هر دو هنرمند که در کارنامه کاری‌شان به چند دهه تجربه اجرا و ثبت دارند، اما در زمانی که از نشاسعادی اوضاع خسته است و دیگری در جوانی همچنان امیدوار، امیدوار به طریقی که کار خود را بی‌هیچ ممنوعیت کلیشه‌ای، به صورت حرفه‌ای دنبال کند.

می‌مانم و می‌خوانم

هنگامه اخوان از ۱۰ سالگی یادگیری آواز را نزد پدر خود آغاز کرد اما راه هنری‌اش را مشاگردی نزد ادیب خوانساری در مکتب اصفهان پی گرفت. اخوان ضمن همکاری با دو گروه «عارف» به سرپرستی پرویز مشکاتیان و «شید» به سرپرستی محمدرضا لطفی در این سال‌ها کنسرت‌هایی را برای بانوان برگزار کرد و البته تعداد زیادی از آنها نیز لغو شد. او حالا دو سال است که روی صحنه نرفته و در هیاتمدیره خانه موسیقی فعالیت می‌کند. با توجه به چالش‌هایی که همواره روی مسیر هنری هنگامه اخوان بوده و نیز تاثیر احتمالی او در شورای تصمیم‌گیری خانه موسیقی، از نقش این خانه در حمایت از بانوان نوازنده و خواننده پرسش کرده‌ایم. او در پاسخ می‌گوید: «به نظر شما خانه موسیقی می‌تواند کاری انجام دهد؟ گرچه باید تاکید کنم هر انچه در توانش بوده انجام داده ولی راه به جایی نمی‌برد. مثل آن اتفاقی که برای من افتاد افتاد و راه نمی‌دادند که حتی صحبت کنیم»

او درباره اینکه آیا از طرف وزارت ارشاد کسی پاسخگو بوده است، می‌گوید: «نه! اصلا مجال گفت‌وگو نمی‌دهند. زمانی که علی مرادخانی، مدیر دفتر موسیقی بود و آقای لاریجانی در صداوسیما حضور داشت به من اجازه برگزاری کنسرت دادند. سالن اجاره کردیم و بلیت‌فروشی انجام شد اما چند ساعت مانده تا برگزاری کنسرت به همراه خواهرزاده‌ام فراخوانده شدم. اتهام این بود که اختلاط زن و مرد به کار گزارنامه کاری خود سابقه همکاری با بسیاری از موسیقیدانان مهم ایران را دارد. آن هم بعد از گذشت بیش از ۵۰ سال فعالیت و تاثیرگذاری در موسیقی آوازی ایران.

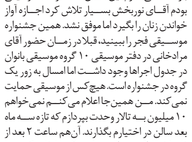

هنگامه اخوان: هنرمندان موسیقی در این مورد تصمیم‌گیر هستند. چون بین‌شان اتحاد وجود ندارد و مدام پشت سر یکدیگر حرف می‌زنند. وقتی ما به خودمان رحم نکنیم، دیگران به ما رحم می‌کنند؟ گروه شش ماه تمرین می‌کند ولی در نهایت با مراقبت‌ها و محافظت‌های آنچنانی کنسرت برگزار می‌شود. می‌گویند شما از خطرهمز عبور کرده‌اید. از کدام خط قرمز عبور کردیم؟ چه خیانتی به کشور انجام دادیم؟

من فقط برای موسیقی به تلاش‌هایم ادامه می‌دهم. من تا امروز ۴۰۰ خوانده تربیت کرده‌ام ولی حتی بازنشستگی ندارم. این مسال‌ها که در خانه موسیقی بوده آقای نوربخش بسیار تلاش کرد اجازه اواز خوانندن زنان را بگیرد اما موفق نشد. همین جشنواره موسیقی فجر را ببینید، قبلا در زمان حضور آقای مرادخانی در دفتر موسیقی ۱۰ گروه موسیقی بانوان در جدول اجراها وجود داشت اما امسال به زور یک گروه در جشنواره اجرا کرد. هیچ‌کس از موسیقی حمایت نمی‌کند. من همین جا اعلام می‌کنم نمی‌خواهم ۱۰ میلیون به تالار وحدت بیرم‌تم که تازه سه ماه بعد سالن در اختیارم بگذارند. آن هم باعث ۲ بعد از ظهر! شما بگویید مگر ساعت ۲ بعدازظهر کسی به کنسرت موسیقی می‌رود؟ اما ایراد ندارد، من می‌مانم و می‌خوانم. مجبور نیستم در تالار وحدت بخوانم. من به سیاسی هستم و به سیاست را بلدم بلکه فقط برای پنجه‌های موسیقی اعتراض می‌کنم. حتی زمانی که به ماجازه کنسرت دادند ۳۴ سالم مانده بود که بتوانم اجرا اعلام کردند! من می‌توانم در یک روز اپلوم جمع کنم؟ اصلا سوالم این است: برگزاری کنسرت خوانده زن برای مخاطبان خانم چه ایرادی دارد؟ چه اشکالی دارد برای مخاطبان خانم در استان‌های دیگر بخوانم؟»

و در ادامه علاوه بر خوانندگان زن به بانوان نوازنده‌ای اشاره می‌کند که برای حضور روی صحنه با مانع مواجه می‌شوند: «این اصلا درست نیست. این چه کاری است که نوازنده خانم را از بین نوازندگان بیرون می‌آورند؟ اتفاقا هنرمندان موسیقی در این مورد تقصیرکار هستند. چون بین‌شان اتحاد وجود ندارد و مدام پشت سر یکدیگر حرف می‌زنند. وقتی ما به خودمان رحم نکنیم، دیگران به ما رحم می‌کنند؟ گروه شش ماه تمرین می‌کند ولی در نهایت با مراقبت‌ها و محافظت‌های آنچنانی کنسرت برگزار می‌شود. می‌گویند شما از خطرهمز عبور کرده‌اید. از کدام خط قرمز عبور کردیم؟ چه خیانتی به کشور انجام دادیم؟ آنها بایدبدانیم؟»

وقتی شروع کردم جنسیت مطرح نبود

نگار خارکن نیز تجربه نوازندگان جوان موسیقی ایران است که با ساز کمانچه‌اش بسیاری از بزرگان موسیقی ایران همچون محمدرضا شجریان و شهرام ناظری را همراهی کرده است. خارکن نیز دو سال پیش مراسم رونمایی آلبوم مستقلش به خوانندگی حسین علیشاپور با عنوان «آن سیاه افسون کار» به‌هیچ دلیل قانع‌کننده‌ای لغو شد. با او درباره‌یه گفت‌وگویی کوتاه انجام داده و چالش‌های پیش روی کار حرفه‌ای او را جویا شده‌ایم: «از اولین سال‌هایی که وارد هنرستان شدم چون ۱۰-۱۱ سال بیشتر نداشتم صرفا هدفم موسیقی بود و هیچ ذهنیتی نسبت به کار حرفه‌ای نداشتم. من همیشه در کمالینکه وقتی هم وارد هنرستان موسیقی دخترانی شدم کمانچه به عنوان ساز اصلی در هنرستان تدریس نمی‌شد و بیشتر از دو شاگرد کمانچه وجود نداشت. من با چنین مسائلی از همان روزهای اول روبه‌رو بودم. بعد از گذراندن هنرستان و دانشگاه و... کم‌کم وارد عرصه تکنوازی شدم و اهدافم تغییر خاص‌تری گرفت. در حال حاضر هم بیشتر هدفم این است که در مسیر موسیقی اصیل ایرانی و تکنیک‌های نوازندگی اساتید صاحب سبک قدم بردارم.»

نگار خارکن: اگر اهالی موسیقی در بسیاری از مسائل جنسیت به این موضوع دخالت نکنند و پافشاری نداشته باشند، بعد اتفاقی رخ نخواهد داد. من فکر می‌کنم اگر این هم‌دلی وجود داشته باشد ممکن است روزگاری برای صدای خانم‌ها هم اتفاقات خوبی بیفتد. تا وقتی موضوع تبدیل به تابو شد هیچ‌کس به آن نمی‌پردازد. اگر پافشاری‌هایی انجام شود مسوولان متوجه قصوری که می‌کنند، می‌شوند. این مسائل به آن جنسیت که هیچ کاری نکنیم و همین طور خنثی و راکد به کارمان ادامه دهیم.

او در ادامه اشاره می‌کند که هیچگاه از بچگی به موسیقی نگاه نکرده است: «من هیچ‌وقت از بچگی یافته و بزرگ شده بودم. من از ۱۲ سالگی وارد گروه «نیفت» به سرپرستی جهانشاه صارمی شده که اکثر کسانی که همدوره من بودند- الان برای خود نوازنده‌های شاخصی شده‌اند؛ دوستانی مثل صبا نوروزی، نیوشا دهقان و جهانشاه صارمی که بنیان این گروه را گذاشت می‌خواست استعدادهای نهفته جوانان را در قالب گروهی با همین مضمون و برآمده از نام یکی از گوشه‌های نوا از کودکی پرورش دهد. ما در محیطی رشد کردیم که هم گروه‌نوازی، هم تکنوازی و هم خانه حرفه‌ای رویکرد اصلی و هدف غایی بود. طبیعی است که چنین محیطی به ما انرژی می‌گذاشت. آن زمان آن قدر با من حرفهای برخورد می‌شد دیگر مسأله جنسیت مطرح نبود و طرف هیات‌مدیره خانه موسیقی نداشتم و هیچ کس خواننده زن برای مخاطبان خانم چه ایرادی دارد؟ چه اشکالی دارد برای مخاطبان خانم در استان‌های دیگر بخوانم؟»

و در ادامه علاوه بر خوانندگان زن به بانوان نوازنده‌ای اشاره می‌کند که برای حضور روی صحنه با مانع مواجه می‌شوند: «این اصلا درست نیست. این چه کاری است که نوازنده خانم را از بین نوازندگان بیرون می‌آورند؟ اتفاقا هنرمندان موسیقی در این مورد تقصیرکار هستند. چون بین‌شان اتحاد وجود ندارد و مدام پشت سر یکدیگر حرف می‌زنند. وقتی ما به خودمان رحم نکنیم، دیگران به ما رحم می‌کنند؟ گروه شش ماه تمرین می‌کند ولی در نهایت با مراقبت‌ها و محافظت‌های آنچنانی کنسرت برگزار می‌شود. باز هم می‌گویم حمیدرضا نوربخش تاحضور کرد ولی آنها می‌گفتند شما اول منتظر می‌ماندید برگردید!... از کدام خط قرمز عبور کردیم؟ چه خیانتی به کشور انجام دادیم؟ با نباید بدانیم؟ من ۶۴ سالم است ولی قصمجنان با هنرا مشکل مواجهم. اگر مساحبه نکنم شما می‌گویید فلانی بداخلاق است اما همیشه از خودم می‌پرسید بعد از این همه ماجرا چه باید بگویم؟ «الان دوسال است کنسرت نداشته‌ام.»

هنگامه اخوان: هنرمندان موسیقی در این مورد تصمیم‌گیر هستند. چون بین‌شان اتحاد وجود ندارد و مدام پشت سر یکدیگر حرف می‌زنند. وقتی ما به خودمان رحم نکنیم، دیگران به ما رحم می‌کنند؟ گروه شش ماه تمرین می‌کند ولی در نهایت با مراقبت‌ها و محافظت‌های آنچنانی کنسرت برگزار می‌شود. می‌گویند شما از خطرهمز عبور کرده‌اید. از کدام خط قرمز عبور کردیم؟ چه خیانتی به کشور انجام دادیم؟

وضعیت سینماها بعد از جشنواره فیلم فجر

غلامرضا فراجی از اکران دو فیلم جدید در سینماها خبر داد و گفت: فیلم سینمایی «بدون تاریخ، بدون امضا» و همچنین فیلم مجید مجیدی بر اساس تاریخی که اعلام شده و قرارداد آن بسته شده یعنی از چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه روی پرده سینماها خواهد رفت. سخنگوی شورای صنفی نمایش درباره وضعیت نمایش فیلم‌ها بعد از پایان یافتن جشنواره فیلم فجر بیان کرد: در گروه سینما «هانداران» فیلم سینمایی «ما خیلی باحالیم» به کارگردانی بهمن گودرزی، در گروه «آزادی» فیلم سینمایی «کمدی انسانی» ساخته محمد هادی کریمی و در گروه سینما «استقلال» فیلم سینمایی «پله بعد» ساخته منوچهر هادی به اکران خود ادامه خواهند داد. او ادامه داد: همچنین در گروه قدس فیلم سینمایی «استقلوئس» به کارگردانی حسن ماهبینی به اکران خود ادامه می‌دهد و قرارداد بعدی این سینما برای فیلم سینمایی «بدون تاریخ بدون امضا» ساخته و تسهیل امور سینماگران در ارتباط با مراودات و مراجعات آنان به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اشاره می‌کند. اما مساله اینجاست از اخاموشی توانسته است در این امر موفق عمل کند؟

سینما

همه حاشیه‌های داوری‌های سی و ششمین جشنواره فیلم فجر در گفت‌وگو با داوران

حکایت‌های آن مرد معترض

تینا جلالی

اعتراض تند ابراهیم حاتمی‌کیا در مراسم اختتامیه مهم‌ترین رویداد سینمایی چنان گسترده شد که شاید خود این کارگردان هم این روند را باور نداشت. بعد از پایان مراسم از هنرمندان مختلف گرفته تا مردم عادی به سخنان تند و تیز او واکنش نشان دادند. هرچند که مخالفت با این رفتار کارگردان «بوفوت شام» بسیار گسترده‌تر از مدافعانش بود، اما بودند کسانی که از حرف‌های کارگردان همیشه معترض دفاع کردند.

عماد افروغ در مقام مدافع این کارگردان معتقد است که نقد و اعتراض آقای حاتمی کیا بیشتر متوجه تلویزیون بوده و لبه تیغ سخنان وی با عملکرد تلویزیون بود نه جشنواره فیلم فجر. افروغ به «اعتماد» می‌گوید: «خیلی هم طبیعی است که اگر کسی با پتک توی سر شما بکوبد آیا شما از خودتان دفاع نمی‌کنید؟ اگر کسی به شخصیت ایشان توهین کرده باشد! آیا از عدالت به دور نیست که ایشان از خودشان دفاع نکنند؟ به نظر من این حق مخاطب است که بداند چه عقیدای بر حاتمی کیا گذشته که او این چنین ناراحت شده و چنین واکنشی را از خود نشان می‌دهد.»

نظر این استاد دانشگاه و جامعه‌شناس این است که وقتی برنامه‌ای ساخته می‌شود و گروهی دورهم جمع می‌شوند تا سیننما و برنامه‌های آن را به چالش بکشند پس باید متوجه باشند که فیلم مربوطه را مورد ارزیابی قرار دهند نه شخصیت فیلمساز: «متاسفم که اینجا باید بگویم که ما در زمینه نقد بسیار عقب‌افتاده هستیم و این مساله اصلا ربطی به جناح راست و چپ ندارد در نقد فیلم‌هایی که ساخته می‌شود بیشتر چگونگی شخصیت فیلمساز را هدف قرار می‌دهیم تا ساخته او را. من به‌هیچ‌عنوان با نقد آثار مخالفتی ندارم و اتفاقا معتقدم فیلم‌ها را بی‌محابا و تندوتیز نقد کنند اما نه شخصیت فیلمساز را.»

افروغ که سال گذشته جزو هیات انتخاب جشنواره فیلم فجر بوده و در این دوره نسبت به راهبایی دو فیلم «شعله‌ور» و «امیراتور جهنم» به جشنواره انتقاد جدی داشته و معتقد است یک عده در کشور ما هستند که حاضر نیستند شفافسازی کنند و می‌خواهند وانمود کنند که همه‌چیز درست و عادلانه و بر جای خودش قرار دارد: «ما حاتمی کیا اینگونه نیست؛ او همه‌چیز را رک بیان می‌کند.»

افروغ درنهایت به این نکته اشاره دارد که سال گذشته هم به هیات داوران چنین اعتراض‌هایی شده بود و او حق می‌دهد که دلخوری‌ها و ناراحتی‌هایی در این زمینه پیش بیاید.

آخرین ساخته حاتمی‌کیا پس از ۳ جایزه از سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر کسب کرد: سیمرغ بلورین بهترین صداگذاری، بهترین صدای متن و درنهایت سیمرغ بلورین بهترین کارگردانی! اما صحبت‌های تندوتیز حاتمی‌کیا به این موضوع منتسب شد که توقع این کارگردان ۵۶ ساله از جشنواره پیش از این حرف‌ها بوده است. اعتراض جزو جدایی‌ناپذیر کارنامه این فیلمساز است.

حال چه به شرایط جامعه و مشکلات زندگان اشاره کند و چه به سیستم جشنواره باشد. او این‌بار به روی سن آمد و جملات را به اعتراض بیان کرد. البته اگر به سی و چهارمین جشنواره فجر برگردیم به‌روزی می‌رسیم که او با فیلم «بادیگارد» در جشنواره شرکت داشت. همان سالی که پرویز پرستویی جایزه سیمرغ نقش اول مرد را دریافت کرد! اما آن شب حاتمی کیا در شب اهدای جایزه در برج میلاد حضور نداشت و به‌نوعی اعتراض خود را اعلام کرد که با حمایت پرستویی همراه شد.

این نکته‌ای است که خسرو دهقان در جایگاه یکی از اعضای هیات داوران در مورد برخورد ابراهیم حاتمی‌کیا به «اعتماد» می‌گوید: «راستش را بخواهید از برخورد آقای حاتمی‌کیا در مراسم اختتامیه هم تعجب کردم و هم تعجب نکردم. تعجب نکردم چون چند سالی است که ابراهیم حاتمی‌کیا رویه اعتراضی در پیش گرفته و با این نوع برخورد او همه آشنا هستیم! اما از صحبت‌های او تعجب کردم چون ضرورتی نمی‌دیدم او این حرف‌ها را در جمع بیان کند.»

دهقان که از منتقدان مطرح سینماست معتقد است که زمانی که ابراهیم حاتمی‌کیا فیلم «هویت» را ساخت برای شناخته شدن جایی اشاره می‌کند و آن اینکه در مجالس عروسی هم حرف و صحبت و حدیث وجود دارد حال اینکه این جشنواره‌ای است که قرار است محصولات سینمای ایران را مورد ارزیابی قرار دهد و چنین بحث‌هایی کاملا طبیعی به نظر می‌رسد.

این عضو هیات داوری در مورد عدم انتخاب بعضی از بازیگران در لیست نامزدی و بی‌توجهی به کیفیت بازی بازیگران را به ترکیب هیات داوری ارجاع می‌دهد: «اگر ۳۶۵ نفر را برای ۳۶۵ روز انتخاب کنیم تا در مورد چیزی نظر دهند و تصمیم‌گیری کنند درنهایت ۳۶۵ نتیجه حاصل می‌شود. وقتی گروهی برای داوری انتخاب می‌شوند باید به نظرات آنها احترام گذاشت و نباید اسم خطا را روی نظرات آنها گذاشت.»

او همچنین در مورد بایکوت شدن فیلم «لاتاری» هم صراحتا می‌گوید که اعضای هیات داوران از فیلم لاتاری خوش‌شان نیامد: «فیلم دلپذیری برای من نبود و ما راه هیجان نبودیم؛ به بازی‌ها و به قصه فیلم برای من جذب نبود و این نظر مجموع داوران بود و برای من شگفت‌آور نیست. اما فیلم «یوقیب» ما را به هیجان آورد و بازیگران ۳۵ سال از پایان فلاش مقدس می‌گذرد ولی باید بگویم که این فیلم را دوست داشتم چون تاثیرگذار بود و ما را دلواپس شهدا می‌کرد؛ هم‌ورز بر آب» را هم دوست داشتم؛ اما فیلم «لاتاری» ما را درگیر خود نکرد از فیلم خوش‌ش نیامد به جایش سادگی و نیاید اسم این را بایکوت بگذاریم و اصلا توطئه‌ای در کار نبوده است.»

در شمین جلسه از سلسله نشست‌های نمایش آثار و زندگی علی اکبر صادقی، روز چهارشنبه ۲۵ بهمن ماه از ساعت ۱۸ تا ۱۸:۳۰، بررسی نشانه‌شناسی در نقاشی علی‌اکبر صادقی با حضور و سخنرانی بهمن نامورمطلق، حمیدرضا شعیری، علی عباسی، امیرعلی نجومیان، احمد پاکتچی و مرتضی بابک معین در سالن اجتماعات موزه هنرهای معاصر تهران برگزار می‌شود. در این نمایشگاه بیش از ۲۰۰ اثر از آثار علی‌اکبر صادقی در رشته‌های نقاشی، طراحی، مجسمه، تصویرسازی و اینمیشن به نمایش در آمده است. همچنین در این نمایشگاه چیدمانی از پرچم‌ها وجود دارد که علی اکبر صادقی اشعار خود را روی آن نوشته است. این نمایشگاه ۲۵ اثر فردوسی ماه ۹۶ برقرار است، علاقه‌مندان برای بازدید از این نمایشگاه می‌توانند روزهای یکشنبه تا پنجشنبه هر هفته از ساعت ۱۰ صبح تا ۱۷ عصر، جمعه‌ها ۱۳ تا ۱۷ عصر به جز شنبه‌ها و تعطیلات رسمی به موزه هنرهای معاصر تهران مراجعه کنند. روابط عمومی موزه‌هنرهای معاصر

نقاشی‌های علی‌اکبر صادقی نشانه‌شناسی می‌شود

خبر

بازگشت فعالیت‌های هنری به روال عادی

با فروکش کردن تب جشنواره فیلم فجر خبرهای دیگر حوزه‌های دنیای هنر همچون موسیقی، تئاتر و ادبیات پررنگ‌تر از گذشته منتشر می‌شود. کوروش نریمانی، نمایشنامه‌نویس و کارگردان شناخته شده تئاتر از قصد خود برای اجرای یک نمایش در سال ۹۷ خبر داده است. بررسی جایگاه سیمین دانشور در ادبیات معاصر ایران و اعتراض میشایل هانکه، کارگردان نامدار سینما به جنبش‌های مجازی افشای فساد جنسی در هالیوود از جمله خبرهای رسانه‌ها است.

زمان ۶۰ دقیقه در تالار چهارسو مجموعه تئاترشهر به صحنه می‌رود.

انتقاد «هانکه» به جنبش مجازی افشای فساد جنسی

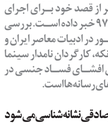

«میشایل هانکه» ـ فیلمساز برنده دو نخل طلا ـ کمپین #MeToo (من هم) را با فرقه متعصب مسیحیت مقایسه کرد. «ورایتی» نوشت: «میشایل هانکه» ـ کارگردان آثریتسی فیلم‌هایی چون «روبان سفید» و «عشق» ـ در مصاحبه‌ای مخالفت خود را با کمپین افشای تعرض‌ها و تجاوزهای اتفاق‌افتاده در هالیوود و دیگر نهادها اعلام کرد و این اقدام را «پیوریتانیسم متنفر از مردان» خواند. (پیوریتانیسم فرقه‌ای از مسیحیت است که پیروان آن به تعصب‌های مذهبی شهره هستند) «هانکه» در مصاحبه با روزنامه اتریشی «دیلی کوریر» گفت: مسلما من هر نوعی از تجاوز یا اجبار را قبول مجازات می‌دانم. اما از دید من، این جنبش تشنجی متعصبانه و متمرکز کننده است. من نمی‌خواهم بدانم که چند اتهام اینچنینی که به انتقال‌های ۲۰ و ۳۰ سال گذشته برمی‌گردد، واقعا به ازار جنسی ربطی داشته است. این کارگردان صاحبنام ادامه داد: این پیوریتانیسم ضدمرد که با شروع کمپین #من_هم شکل گرفته، من را نگران می‌کند. این بدخواهی که این روزها اغلب در اینترنت دیده می‌شود، کار را برای رسیدگی به این جریان خیلی سخت‌تر می‌کند. «میشایل هانکه» در پایان اضافه کرد: ما کجا هستیم؟ در قرون وسطی؟ این مساله باز هم به محکوم و مج